

Works of Karl Popper's theory of falsifiability on scientific interpretation from the perspective of Ayatollah Javadi Amoli

esfahani, Seyed Abdullah

Faculty member of the Holy Quran University.Qom. Iran

esfahaniquran@gmail.com

Abstract

The interpretation and application of the Qur'an with the help of experimental sciences has always been of interest among the early and late scholars of the Qur'an and has brought positive achievements. The theory of falsity in Popper's critical realism, as one of the influential views in the field of modern philosophy of science, has always been criticized by some Western and Muslim philosophers. The main question of the present article, which has been written in a fundamental, descriptive, analytical and experimental way, is what are the most basic actions of Popper's theory of falsity on scientific interpretation by comparing the Islamic model of Ayatollah Javadi Amoli's ideas. The result of the present study is the five cases of opposition of the above theory to the "principles" of scientific interpretation of the Qur'an. Such as the meaninglessness of metaphysics, the opposition of infinite and unrealistic conjectures and falsifications to the infallibility of the concepts of the Qur'an, etc .; And the five instances of incompatibility of this theory with the "rules" of scientific interpretation of the Qur'an, such as non-acceptance of the scientificity of partial and possible empirical propositions from the perspective of the theory of falsity and its confirmation and validity in the Holy Qur'an and...

Keywords: Actions, Falsificationism, Scientific Interpretation, Popper, Javadi Amoli

تأثیر نظریه ابطال پذیری پوپر بر تفسیر علمی از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سید عبدالله اصفهانی

عضو هیات علمی دانشگاه علوم معارف قرآن کریم، قم، ایران
esfahaniquran@gmail.com

چکیده

تفسیر و تطبیق قرآن به مدد علوم تجربی همواره در میان قرآن‌پژوهان متقدم و متأخر دل‌بستگی داشته و دستاوردهای مثبتی به ارمغان آورده است. نظریه ابطال‌پذیری در رئالیسم انتقادی پوپر به عنوان یکی از دیدگاه‌های تأثیرگذار در حوزه فلسفه علم نوین، همواره مورد نقادی برخی از فلاسفه علم غربی و مسلمان قرار گرفته است. پرسش اساسی مقاله حاضر که با روش بنیادین، توصیفی، تحلیلی و تجربی نگارش یافته است، چیستی اساسی‌ترین کنش‌ها نظریه ابطال‌پذیری پوپر بر تفسیر علمی از منظر آیت‌الله جوادی آملی است. دستاورد پژوهش حاضر، موارد پنج‌گانه مخالفت نظریه فوق با «مبانی» تفسیر علمی قرآن است. از قبیل بی‌معنائگاری متافیزیک، مخالفت حدس‌ها و ابطال‌های بی‌نهایت و غیر واصل به حقیقت نهایی با خطاناپذیری مفاهیم قرآن و ...؛ و مصادیق پنج‌گانه ناسازگاری این نظریه با «قواعد» تفسیر علمی قرآن از قبیل، عدم پذیرش علمیت قضایای تجربی جزئی و احتمالی از منظر نظریه ابطال‌پذیری و اعتبار آن در قرآن کریم و ...

کلیدواژه: ابطال‌گرایی، تفسیر علمی، پوپر، جوادی آملی.

تاریخ دریافت: ۰۰/۱۰/۱۸ تاریخ بازبینی: ۰۰/۱۲/۰۷ تاریخ پذیرش: ۰۰/۱۲/۱۴

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۱، شماره ۲، پیاپی ۴۳، بهار ۱۴۰۱، صص ۱۱۴-۱۲۹



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه و بیان مساله

تفسیر علمی قرآن، گرایشی تفسیری برای یافتن ارتباط بین اشارات اجمالی آیات قرآن و یافته‌های علوم بشری در راستای فهم بهتر و عمیق‌تر مفاد آیات و یافتن مصادیق عصری آن است. این شیوه تفسیری به مدد کشفیات علمی اعم از «فرضیه و تئوری» و یا حداکثر «قانون تجربی» در میان متقدمان و متاخران طرفداران و دل‌بستگانی داشته، اما بلوغ و اوج گرایش به این شیوه تفسیری، در قرن اخیر مشاهده می‌شود. تفسیر علمی روش‌مند و معتبر، دستاوردهای مثبتی هم‌چون: اثبات اعجاز قرآن، تحکیم ایمان مسلمانان، گرایش غیر مسلمانان به اسلام، جلوگیری از پندار تعارض علم و دین در اسلام، تعمیق فهم قرآن و... را در پی دارد. این شیوه تفسیری پس از پیمایش فراز و نشیب‌هایی در گذشته، اینک و در جهان معاصر دوران پختگی، کمال و روش‌مندی خویش را تجربه می‌نماید.

مفسران علمی، به رویکرد اثبات‌گرایانه در علوم تجربی، اشتراک قلمرو «علوم تجربی» و «قرآن» در بخشی از «آیات»، «هم‌سویی قرآن و علم در بیان اطلاعات هستی‌شناختی»، «پردازش استطرادی قرآن به علوم تجربی»، «واقع‌نمایی زبان قرآن در گزاره‌های هستی‌شناختی در مقابل تفکر انگیزشی و عرفی دانستن زبان آن» و «ارائه فهم عمیق‌تر از مفاد آیات علمی قرآن» که ضرورت این روش تفسیری را به دنبال دارد، باور دارند. مفسران علمی، به اشتراک قلمرو «علوم تجربی» و «قرآن» حداقل در بخشی از آیات، «هم‌سویی قرآن و علم در بیان اطلاعات هستی‌شناختی»، «پردازش استطرادی قرآن به علوم تجربی»، «واقع‌نمایی زبان قرآن در گزاره‌های

هستی‌شناختی در مقابل تفکر انگیزشی و عرفی دانستن زبان آن» و «ارائه فهم عمیق‌تر از مفاد آیات علمی قرآن» که ضرورت این روش تفسیری را به دنبال دارد، باور دارند. تفسیر علمی نیازمند «روش‌شناسی خاص» «رعایت معیارهای معتبر»، اجتناب از تحمیل و تطبیق‌های نابجای نظریه‌های علمی اثبات‌نشده بر ظاهر قرآن و پرهیز از «روش استخراج همه علوم از قرآن» و در ادامه تبیین رابطه و کنش‌های «دیدگاه‌های نوین و تاثیرگذار فلاسفه علم در خصوص ارزش و منزلت علوم تجربی» بر تفسیر علمی و... است.

از سویی کوش‌های علمی بشر پس از نیمه دوم قرن بیستم، موجب پیدایش نظریات جدیدی در فلسفه علم گردیده، که نتیجه آن، انکار تقسیم‌بندی علوم تجربی به دو قسم: نظریه‌های «اثبات‌نشده» و «قوانین اثبات‌شده» و مطرح شدن گفتمان‌ها و نظریات چهارگانه در حوزه فلسفه علم به شرح ذیل است:

≠ پوزیتویسم منطقی غرب که مفاهیم، نظریه‌ها و قوانین

علمی را ملخّص و ساده‌سازی داده‌های آزمایشگاهی می‌داند.

≠ نظریه ابطال‌گرایی کارل پوپر.

≠ گفتمان ساختارگرایی و نسبیت‌گرایی تامس کوهن.

≠ گفتمان هرمنوتیک (ر.ک: Charles، ۱۳۷۸، ص ۲۸).

تلاش مقاله حاضر آن است که پس از تبیین نظریه ابطال‌پذیری پوپر در تبیین رابطه‌ی مفاهیم علمی با واقعیات ورد اثبات‌پذیری علوم تجربی از دیدگاه وی به این پرسش پاسخ گوید که پذیرش نظریه پوپر با توجه به مبانی و قواعد تفسیر علمی قرآن از دیدگاه آیت الله جوادی آملی چگونه بر آن تأثیر گذار خواهد بود.

۲-اهداف و پرسش‌ها

هدف مقاله حاضر، پس از نقادی اجمالی نظریه ابطال‌گرایی پوپر؛ بررسی اساسی‌ترین تاثیرات نظریه وی - به عنوان یکی از نظریات مطرح در قلمرو فلسفه علم نوین - بر تفسیر علمی قرآن، در راستای دفاع از اعتبار و منزلت تفسیر علمی روشمند قرآن است. بنابراین پرسش اساسی مقاله حاضر آن است که از منظر فیلسوف و مفسر متعمقی همچون آیت‌الله جوادی

آملی، اندیشه ابطال‌گرایی پوپر در قلمرو علوم تجربی چه کنش‌ها و تاثیراتی بر مبانی و قواعد تفسیر علمی در پی دارد؟

۳- پیشینه پژوهش

پژوهش نگارنده در کتب و مقالات مرتبط نشان می‌دهد، علیرغم عناوین متنوع و مشابهی که در آن‌ها از معیارها و مبانی تفسیر علمی قرآن، آسیب‌شناسی تفسیر علمی و... از یک سوی؛ و از سوی دیگر منابعی که در آن از تاثیر نظریه ابطال‌پذیری پوپر در فلسفه علم و علوم تجربی بحث شده است مانند: درآمدی بر فلسفه علم کارل پوپر؛ عقلانیت معرفت از دیدگاه علم‌شناسی پوپر؛ منطق اکتشاف علمی؛ واقعی‌گرایی و هدف علم؛ چیستی علم، درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی؛ علم و شبه‌علم در نگاه کارل پوپر و... بحث شده است، تاکنون مقاله‌ای که در صدد تشریح کنش‌های نظریه ابطال‌پذیری پوپر بر تفسیر علمی قرآن با محوریت اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی، نگاشته شده باشد، مشاهده نشده است.

۴- مبانی نظری تحقیق

دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی که مبانی نظری پژوهش حاضر است

به شرح ذیل تقریر می‌شود:

اولاً: دسترسی به طبیعت ناب، همانند نیل به شریعت خالص را هم ممکن و هم بخشی از آن را قطعاً واقع می‌دانند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۹۶/۱).

ثانیاً: در فهم طبیعت همانند شریعت، هم «ثبات» ممکن است و هم «تحول»؛ و «تحول» نیز گاهی به استناد تبدل رأی عالمانه و مجتهدانه است و گاهی برخاسته از هوای نفس و دسیسه شیطان (ر.ک: همو، ۱۹۶-۱۹۷).

ثالثاً: بیشتر گزاره‌های علوم تجربی با اینکه در قالب فرضیه‌های صحیحی مطرح می‌شوند، لیکن ارزش معرفت‌شناختی آنها از حد ظن فراتر نمی‌رود. بدین سبب آیت‌الله جوادی آملی تحمیل این دیدگاه‌ها بر قرآن را از آن جهت که عزیز و نفوذناپذیر است و هیچ بطلانی در آن راه ندارد، تحمیلی ناروا دانسته و می‌نویسد: فرضیه‌های غیر یقینی دانش تجربی نیز پیامی جز احتمال ندارد؛ یعنی نه می‌توان مضمون دلیل غیر یقینی منقول را بر ره

آورد مسلم علوم تجربی تحمیل کرد و نه می توان فرضیه غیریقینی دانش تجربی را بر ظاهر قرآن و روایت تحمیل کرد .

ایشان معتقدند قضایای علوم تجربی به سرحد یقین نمی رسند و بیشتر مباحث آن به صورت فرضیه مطرح می شود . بدین سبب بر این باورند که: اولاً نباید فرضیه را وارد مرز دانش کرد ، ثانیاً اضطراب فرضیه و نوسان پیش فرض‌های تثبیت نشده را نباید به حساب اصول و علوم متعارفه آورد ، ثالثاً نباید نام شریف دانش را به هر احتمال تایید نشده داد، رابعاً حریم علم تجربیدی که علوم متعارف ویژه از یک سو و برهان قاطع از سوی دیگر و ثبات و صیانت از نوسان از سوی سوم و سرانجام مصونیت و معصومیت از تردید از سوی چهارم آن را همراهی می کند، همچنان به قداست خود باقیست، هرگز محکوم به احکام لرزان دانش‌های تجربی نبوده و نخواهد شد. (ر.ک. جوادی آملی ، ۱۳۸۹ ، ص ۵۳-۵۷).

رابعاً: یقین و قطع مقول به تشکیک است و شدت و ضعف و مراتب و درجات دارد. یقین در قضایای تجربی ضعیف‌تر از یقین در حوزه عرفانی، فلسفی، کلامی و ریاضی است.

توضیح آن‌که: در علوم تجربی اگر استقرای ناقص و مشاهدات در یک قیاس خفی بدین مضمون که «امر اتفاقی نمی‌تواند دائمی و یا اکثری باشد» ضمیمه شد تبدیل به امر یقینی از سنخ مجربات می‌شود (و از استقراء جدا می‌شود)، اما قوت و شدت این یقین هرگز به سرحد یقین تولید شده از یک برهان فلسفی کلامی، منطقی، عرفانی و ریاضی (که در آن محمول از عوارض ذاتی و لوازم ضروری موضوع است و انفکاک از موضوع محال است) نمی‌رسد (ر.ک: همو، ۱۷۱؛ همو، ۱۳۸۹: ۲۷-۲۸).

خامساً: قطع منطقی (= قطع معرفت‌شناسانه) واقع‌نمایی معصومانه دارد و اشتباه نمی‌کند، لذا رابطه قطع منطقی با کشف واقع، ذاتی و ضروری است، لیکن قطع روان‌شناسانه گاه اشتباه می‌کند و بیراهه می‌رود یعنی در قطع روان‌شناسانه، گاه شخص قاطع توهم و تخیل را قطع می‌پندارد (ر.ک: همو، ۱۱۵).

سادساً: قطع معرفت‌شناسانه و منطقی به مطالب تجربی، دشوار است زیرا استقرای تام صعب است و تحصیل قیاس خفی (= امر اتفاقی نمی‌تواند دائمی و یا اکثری باشد) که استقرای ناقص را تبدیل به تجربه می‌کند،

مستصعب است. بنابراین به آسانی نمی‌توان به یک مطلب تجربی، یقین منطقی حاصل نمود (همو، ۱۳۸۱: ۱۷۱/۱). در بسیاری از قضایای علوم تجربی، وسعت نتیجه از وسعت قانون (که تجربه شده) خیلی بیشتر است، یعنی بر مشهودات و تجربیات خود، چیزی اضافه می‌کنیم و از مقدمات جزئی، نتیجه کلی می‌گیریم. از این رو مفید ظن (اطمینانی که احتمال کذب طرف مخالف به صفر نمی‌رسد) است، نه مفید یقین (قطع مطابق با واقع). (ر.ک. صدر، ۱۴۰۴، ق، ص ۲۵)

یقینی که در استقرای ناقص به دلیل حکم عقلی، حساب احتمالات بدست می‌آید، یقین مطابق با واقع و صددرصد نیست. توضیح آنکه: در اینجا دو مقام اثبات و ثبوت با همدگر خلط شده‌اند. در مقام اثبات، شکی نداریم که بر اساس استقرای ناقص در علوم تجربی بلکه در تمام زندگی بشر و از طریق تواتر در خبر، جزم و اعتقاد حاصل می‌شود و به احتمالات ضعیف توجه نمی‌شود. به‌عنوان نمونه به احتمال ضعیف سقوط هواپیما توجه نمی‌کنیم، چون هواپیما در موارد متعدد سقوط نمی‌کند. اما این جزم و اعتقاد به معنای یقین به معنای اعم یعنی اطمینان است، نه یقین به معنای اخص (اعتماد قطعی جازم و مطابق با واقع که بر اساس تقلید نباشد و طرف مخالف احتمال صدق نداشته باشد، زیرا در علوم تجربی احتمال دارد ما علت را به طور کامل نشناخته باشیم و یا رابطه دو پدیده اتفاقی یا دائمی باشد یا در مقدمات قضایای تجربی خطا رخ داده باشد. بنابراین یقین به علت واقعی پدیده در «علوم تجربی صرف» که از پشتوانه حکم عقلی برخوردار نباشد، امکان ندارد.

توأم شدن استقرای ناقص با دلیل خارجی یعنی دلیل بدیهی عقلی یا کشف علت تامه، به وسیله عقل یا بداهت حسی (که با مبدا عقلی عدم تناقض همراه است) می‌تواند تولید یقین به معنای اخص یعنی یقین مطابق با واقع یا «یقین منطقی» نماید و تفسیر علمی قرآن با این قسم از علوم تجربی، جایز است؛ زیرا قرآن با عوم تجربی قطعی تعارض ندارد، بلکه علوم تجربی قطعی، قرینه قطعی تفسیر قرآن محسوب می‌شود، لیکن در این صورت این نوع قضایای تجربی در حقیقت بازگشت به قضایای عقلی می‌کند و از موضوع بحث ما که تحقق قطع در علوم تجربی است، خارج

می‌شود، زیرا اعتبار خاص خود را از «عقل» کسب می‌کند، نه صرف قضایای تجربی. (ر.ک. جوادی آملی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۷۱-۱۷۵)

نتیجه آن که در علوم تجربی، تحصیل یقین و قطع منطقی، برهانی، فلسفی به ندرت اتفاق می‌افتد وطمأنینه و اطمینان عقلایی فراوان است (همانند عقل عرفی در علوم عرفی که در بسیاری از مباحث فقه و اصول فقه کاربرد دارد و به تحلیل عرف و بنای عقلاً می‌پردازد که در آن یقین منطقی، نادر و طمأنینه عقلایی، بسیار است) (ر.ک: همو، ۱۳۸۹: ۷۱ و ۱۱۸).

سابعاً بر فرض قطع منطقی به ثبوت محمول برای موضوع در قضایای تجربی، چنین یقینی غالباً یک‌جانبه است، یعنی هرگز دلالت بر «ضرورت ثبوت محمول برای موضوع» و «انحصار موضوع به محمول» ندارد، بلکه دلالت بر «دوام و عادت» دارد (= قطع به دوام و نه ضرورت)، زیرا محصول تجربه‌های مکرر آن است که تاکنون هرچه آزمایش شده، همین بود که فلان موضوع دارای فلان محمول است. نتیجه این سخن آن است که، اگر در قضایای تجربی از طریق اعجاز و خرق عادت محمول برای موضوع ثابت نشود، امتناع ندارد، و تناقض و خلاف ضرورت عقل حاصل نمی‌شود و موارد استثنا (و غیر قابل پذیرش) حمل بر مخصّص یا مقیّد لَبّی می‌شود. در حالی که در فلسفه کلی و در ریاضیات، محمول از عوارض ذاتی و لوازم ضروری موضوع است، لذا در مواردی که محمول برای موضوع ثابت شود، نقض دلیل محسوب می‌شود، نه مخصّص و مقیّد لَبّی (ر.ک: همو، ۱۳۸۱: ۱۷۱/۱-۱۷۳).

ثامناً: در قضایای دینی (= ادله نقلی دین یعنی قرآن و روایت) در برخی موارد، محمول از عوارض ذاتی و لوازم ضروری موضوع است و در برخی موارد دیگر، محمول چنین وضعی ندارد. ادله نقلی دین، که غالباً به صورت الفاظ عام یا مطلق ارائه می‌شوند، حکایت از «اصل ثبوت محمول برای موضوع دارند»، نه ضرورت یا انحصار ثبوت محمول برای آن. بنابراین اگر عموم یا اطلاق آن دلیل در مواردی غیر قابل پذیرش بود، جمع دلالتی می‌کنیم و مورد استثنا به عنوان مخصّص یا مقیّد پذیرفته می‌شود، نه متناقض با دلیل. آنچه در علم منطقی آمده که: نقیض موجه کلیه، سالبه جزیه و نقیض سالبه کلیه، موجه جزیه است، مربوط به قضایایی است که ضرورت محمول برای آن موضوع ثابت شده باشد، نه در علوم تجربی یا علوم

دینی (یا علوم نقلی) که صرفاً اصل ثبوت محمول برای محمول ثابت می‌شود، نه ضرورت آن. به عنوان نمونه اگر در زیست‌شناسی ثابت شود که «برخی از موجودات زنده از آب پدید نمی‌آیند» این شاهد یقینی علمی و تجربی، به عنوان مخصص آیه «و جعلنا من الماء کلّ شیء حی» (انبیاء/۳۰) محسوب می‌شود، نه نقیض آن.

نتیجه آن که نمی‌توان در تفسیر آیه یا حدیثی، به صرف قطع منطقی به یک مطلب تجربی (هرچند که چنین قطعی در علوم تجربی کمیاب است و معیار اعتبار بسیاری از قضایای تجربی طمأنینه و اطمینان عقلایی است)، مورد را نقیض آیه یا حدیث محسوب نموده و از ظاهر یا نص آیه یا حدیث منصرف و برخلاف آن حمل کرد، بلکه غالباً مخصص یا مقید آیه و حدیث محسوب می‌شود. به عبارت دیگر گاهی محمول برای موضوع مألوف و گاه برای موضوع غیر مألوف (به عنوان خرق عادت) تحقق می‌یابد (ر.ک: همان).

۵- روش تحقیق

پژوهش حاضر، تحقیقی کیفی، و به روشی توصیفی، تحلیلی، انتقادی و تطبیقی و با استفاده از روش «مثلث‌سازی» (Triangulation Method) است که در این روش با کاربست شیوه توصیف و تحلیل، از توصیف و ترکیب داده‌ها و منابع و به کارگیری رویکردهای متنوع - که منجر به افزایش اعتبار اطلاعات می‌شود - استفاده می‌شود (ر.ک: streubert، ۲۰۱۱ م، ص ۴۵). اولاً اجمال نظریه ابطال‌گرایی پوپر مطرح می‌شود، ثانیاً کنش‌ها و دلالت‌های نظریه وی بر تفسیر علمی قرآن از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی مورد کنکاش قرار گیرد.

۶- یافته‌های پژوهش

۱-۶ - نظریه ابطال‌گرایی پوپر و نقادی آن به عنوان یافته‌های

پژوهش به شرح ذیل تقریر می‌شود.

الف- نقطه عطف اساسی در مسیر تحول علوم، زمانی است که حدس‌های متهورانه تایید می‌گردد؛ در حالی که پوپر ابطال حدس‌های

علمی را نقطه اساسی پیشرفت علوم می‌داند (ر.ک. خسروپناه، ۱۳۸۱، ص ۱۰۲ تا ۱۰۳).

ب- ناهمخوانی تجربی، قدرت رد کلی یک نظریه مقبول را ندارد، بلکه باید منتظر پژوهش بیشتر بمانیم. (ر.ک. barbour، ۱۳۶۲، ص ۱۸۱)

ج- ناسازگاریهای تجربی تبیین نشده اولاً یقینی نیستند، ثانیاً هرچند منطقاً توانایی صدق کلیه نظریه علمی را ندارند، ولی آن چه اهمیت دارد، وجود گزاره های مشاهداتی قابل اطمینان است (ر.ک. charles، ۱۳۷۸؛ ۸۳)

د- هر چند پوپر معتقد است بی‌معنا دانستن متافیزیک از منظر پوزیتیویسم، مستلزم بی‌معنایی علم است و به آن انتقاد دارد؛ اما معیار ابطال پذیری وی نیز، هم مستلزم بی‌محتوا بودن علم است زیرا حدس مبنای مستحکمی برای عقلانیت علم نیست و هم بی‌محتوا بودن متافیزیک، زیرا لازمه دیدگاه وی که می‌گوید هرچه محتوای نظریه‌ای بیشتر باشد، ابطال پذیرتر است، آن است که ابطال ناپذیرهای (متافیزیک) بی‌محتوا هستند.

ه- لازمه ابطال‌گرایی، تسلسل معنایی، بی‌نهایت حدس‌ها و آزمون‌هاست که راه حلی جز قرارداد گرایی و بی‌معنا بودن تجربه ندارد و هیچ پیشرفتی در مسیر دستیابی به حقیقت ایجاد نمی‌کند. (ر.ک. موسوی، بی تا، ص ۱۰)

و- قضایای تجربی جزئی، احتمالی و درصدی و قضایای ریاضی، بخشی از علم است که برخی از این قضایا، قطعاً اثبات پذیرند و ابطال ناپذیر. (ر.ک. حائری، بی تا، ص ۱۷۱-۱۷۳)

۲-۶- هرچند موضوع علم و دین با یکدیگر متفاوت است، لیکن چون یک انسان و یک طبیعت و یک جهان بیشتر نداریم، وجوه مشترک و نقاط اتفاق بین این دو روش و نگرش آن‌ها وجود دارد. علم و دین هر دو مبتنی بر تجربه‌اند، هر دو متخذ از تعبیرند (= دخالت ذهنیت دانشمندان)، در هر دو حوزه عینیت محض (در برابر ذهنیت) ممکن نیست و دخالت آگاهی‌های انسان در هر دو حوزه، ناگزیر و محرز است. از این‌رو زبان علم و دین، علیرغم وجوه اشتراک و افتراق آشکار، نه بی‌ارتباط، نه ناسازگارند و نه متعارض با یکدیگر؛ بلکه در تعامل با هم‌اند. از این‌رو، زبان دینی علاوه بر

ورود به حوزه نیایش و پرستش (= الهیات)، ادعای شناسایی حقیقت را در کنار علمیت غیر شناختاری‌اش دارد، چنان‌چه هدف از زبان علم نیز کشف حقیقت است. با این وجود، ناسازگاری و عدم هماهنگی غیر قابل اغماض بین نظریه ابطال‌پذیری و مفاهیم تجربی قرآن کریم چگونه قابل پذیرش است.

در ذیل به کنش‌های نظریه ابطال‌پذیری پوپر بر مبانی و قواعد تفسیر علمی قرآن از دیدگاه تقریرات آیت‌الله جوادی آملی می‌پردازیم:

۱- هرچند پوپر قضایای غیر علوم تجربی را غیر علمی ولی معنادار می‌داند، لیکن از آن‌رو که می‌گوید: هرچه محتوای یک نظریه بیشتر باشد، آن نظریه ابطال‌پذیرتر است، معنایش این می‌شود که ابطال‌ناپذیرها محتوایی ندارند. بنابراین ابطال‌پذیری سرانجام به بی‌معنا انگاشتن متافیزیک منجر می‌شود و این برخلاف مبانی تفسیر قرآن است.

۲- برخی قضایای جزئی، ابطال‌ناپذیرند، از این‌رو بر اساس اندیشه پوپر مبنی بر این‌که فرضیه‌ها (و حدس‌ها) همیشه کلی‌اند و جزئی در علم اهمیت ندارد، لازم می‌آید که قضایای تجربی جزئی، بخشی از علم نبوده و غیر علمی باشند. در حالی که پذیرش منبع حس و تجربه در دین، مقتضایش آن است که قضایای تجربی جزئی، از علمیت و اعتبار برخوردار باشند. این در حالی است که بسیاری از آموزه‌های تفسیر قرآن، از جمله در حوزه آیات هستی‌شناسانه از نوع قضایای جزئی است که بنابر اندیشه پوپر علمی نخواهند بود. این نیز در مخالفت با مبانی تفسیر علمی قرآن است.

۳- در حالی که مفاهیم قرآن کریم برخاسته از دانش و حکمت بی‌پایان خداوند و بنابراین خطاناپذیر، حق و مطابق با واقع‌اند لذا تعبیر «نظریه» در مورد مطالب قرآن، تسامحی است. از سویی پوپر برای هر نظریه تا بی‌نهایت حدس و ابطال را قابل طرح می‌داند که هرگز ما را به حقیقت نهایی واصل نمی‌کند. در نتیجه تعمیم و تطبیق بین دیدگاه ابطال‌پذیری علوم تجربی و گزاره‌های قرآن، ناصواب و منطقاً نادرست است.

۴- بر اساس نظریه ابطال‌پذیری پوپر و اصولاً بر مبنای دیدگاه‌های جدید فلسفه علم در قرن بیستم، در خصوص ارزش و منزلت قضایای علمی، وظیفه و هدف علوم تجربی هر چه نزدیک‌تر شدن به حقیقت است و حقیقت نهایی به دلیل احتمال حدس‌ها و ابطال‌های مستمر، هرگز به دست نمی‌آید، پس

علوم تجربی از سنخ معرفت و علم نیست و حکایت‌گری قابل اعتمادی از واقع ندارد. بنابراین علوم تجربی در قبال دین، ساکت است نه ناطق و سکوت، «عدم احتجاج» است، نه احتجاج به عدم. بنابراین از آن‌جا که ارزش معرفت‌شناختی گزاره‌های تجربی از منظر پوپر از حد ظن فراتر نمی‌رود، لذا تحمیل این‌گونه قضایای تجربی بر قرآن کریم از آن جهت که عزیز و نفوذناپذیر است و هیچ باطلی در آن راه ندارد، تحمیلی ناروا است.

آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه می‌نویسد: «فرضیه‌های غیر یقینی دانش تجربی نیز پیامی جز احتمال ندارد، یعنی نه می‌توان مضمون دلیل غیر یقینی منقول را بر رهاورد مسلم علم تجربی تحمیل کرد و نه می‌توان فرضیه غیر یقینی دانش تجربی را بر ظاهر قرآن و روایت تحمیل کرد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۱۱)، زیرا فرضیه‌های احتمالی، نه قدرت تعارض با دین را دارند و نه قدرت تفسیر قرآن را. بنابراین با توجه به ارزش ظنی بسیاری از قضایای تجربی از منظر آیت‌الله جوادی آملی و امکان خطا در استنباط و درک مفسر از متن قرآن، حداکثر «استناد احتمالی» قضایای تجربی در تفسیر علمی قرآن، مجاز خواهد بود، لیکن از آن‌جا که قضایای احتمالی ابطال‌پذیر نیستند، نتیجه نهایی اندیشه پوپر، عدم جواز کاربرد قضایای تجربی در تفسیر علمی قرآن خواهد بود.

۵- لازمه پذیرش نظریه پوپر آن است که تفاوتی بین «نظریه» و «فرضیه» با «قوانین علمی» در درجه اعتبار وجود نداشته باشد و هر دو، اعتبار نسبی داشته و قابل رد باشند. به عبارت دیگر از منظر پوپر، اساس علم همواره لرزان و فرو ریختنی است و در دانش‌های بشری و علوم تجربی هیچ قانون قطعی و یقینی وجود ندارد.

اساسی‌ترین کنش‌ها و تاثیرگذاری نظریه ابطال‌پذیری قضایای تجربی پوپر بر «مبانی» و «قواعد» تفسیر علمی قرآن بر اساس الگوی اسلامی اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی عبارتند از:

الف - ابطال‌گرایی منجر به بی‌معنا دانستن متافیزیک خواهد

شد و این در مخالفت با مبانی تفسیر (علمی) قرآن است.

ب - در حالی که مفاهیم قرآن کریم خطاناپذیر، حق،

معرفت بخش و مطابق با واقع‌اند و لذا تعبیر «نظریه» در

مورد مطالب قرآن، تسامحی است، پوپر برای هر نظریه تا

بی‌نهایت حدس و ابطال را قابل طرح می‌داند که هرگز ما را به حقیقت نهایی واصل نمی‌کند. در نتیجه تعمیم و تطبیق دیدگاه‌های ابطال‌پذیری علوم تجربی برگزانه‌های قرآن، ناصواب و منطقاً نادرست است. این مورد نیز مخالف با مبانی تفسیر علمی قرآن است.

ج- از آن‌جا که ارزش معرفت‌شناختی گزاره‌های تجربی از منظر رئالیسم انتقادی پوپر، از حدّ ظن فراتر نمی‌رود و هرگز منجر به معرفت و علم نمی‌شود. از سویی، احتمال خطا در استنباط مفسّر از متن قرآن همواره وجود دارد، لذا در تفسیر علمی حداکثر مجاز به «استناد احتمالی» قضایای تجربی خواهیم بود، لیکن از آن‌جا که قضایای احتمالی، ابطال‌پذیر نیستند، بنابراین نتیجه نهایی اندیشه پوپر با توجه به قاعده تفسیری «ضرورت کار بست علم و علمی در تفسیر و لزوم اجتناب از ظن در آن»، عدم جواز کاربرد قضایای تجربی در تفسیر علمی قرآن خواهد بود.

د- از منظر پوپر، اساس علم همواره لرزان و فروختنی است و در علوم تجربی و آموزه‌های قرآن، هیچ قانون منطقی و یقینی وجود ندارد. در حالی که فلاسفه اسلامی بر اساس مبانی عقلی و فلسفی پذیرفته‌شده در دین، دستیابی به طبیعت ناب و خالص را مقدور می‌دانند؛

ه- نظریه پوپر، معیار منطقی برای علمیت قضایای تجربی ارائه نمی‌دهد و هیچ راهکاری جهت پیشرفت در دستیابی به حقیقت پیشنهاد نمی‌کند. در حالی که منبع حس و تجربه در فلسفه دین، پذیرفته و معتبر شمرده می‌شود.

نتیجه‌گیری

موارد پنج‌گانه مخالفت نظریه ابطال‌پذیری قضایای تجربی پوپر با «قواعد» تفسیر علمی قرآن بر اساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی به شرح ذیل است:

۱- از منظر فلاسفه مسلمان، تحول در فهم طبیعت، گاه به استناد تبدل رأی عالمانه و مجتهدانه و گاه غیر آن ممکن است.

۲- آنان بر این باورند که قطع منطقی و معرفت‌شناسانه در حوزه علوم تجربی، هرچند کمیاب است، لیکن در صورت تحقق (= تبدیل استقرار ناقص به تجربه به دلیل همراهی با قیاس خفی)، کاشفیت ذاتی، ضروری و معصومانه از حقیقت دارد.

۳- غالب «قضایای تجربی» و «قضایای دینی» بر فرض تحقق قطع منطقی در ثبوت محمول برای موضوع، هرگز دلالت بر «ضرورت و انحصار محمول در موضوع» ندارد. ازین‌رو در مواردی که محمول برای موضوع ثابت نشود، موارد استثنا، حمل بر مخصّص یا مقید لُبی می‌شود، نه متناقض با دلیل. نتیجه این سخن آن است که در قضایای تجربی، تحقق محمول برای موضوع غیر مألوف، مجاز است و امتناع عقلی و مخالفت با علم لازم نمی‌آید، بلکه به عنوان تخصیص یا تقیید قضیه اصلی محسوب می‌شود. هم‌چنین در تفسیر آیه یا روایت به صرف قطع منطقی به یک مطلب تجربی نمی‌توان مورد را نقیض آیه یا روایت محسوب کرد و از ظاهر یا نص آیه و حدیث منصرف شد.

۴- نظریه ابطال‌پذیری علمیت قضایای تجربی جزیی را نمی‌پذیرد، ولی آموزه‌های تجربی جزیی، از جمله در حوزه مفاهیم هستی‌شناسانه قرآن از منظر فلسفه دین، معتبر و پذیرفته شده است.

۵- ابطال‌ناپذیری قضایای احتمالی به معنای عدم جواز «استناد احتمالی» مفاهیم ظنی تجربی بر قرآن است. این در مخالفت با دیدگاه مفسران مبنی بر جواز استناد مفاهیم تجربی مضمون در تفسیر قرآن است.

فهرست منابع

- ≠ ابطحی، سید عبدالحمید، عقلانیت معرفت از دیدگاه علم شناسی پوپر، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۷۸.
- ≠ باربور، ایان، علم و دین، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، انتشارات چاپخانه دانشگاه شریف، تهران، ۱۳۶۲.
- ≠ پوپر، کارل، جستجوی ناتمام، ترجمه ایرج علی‌آبادی، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
- ≠ پوپر، کارل، حدس‌ها و ابطال‌ها، ترجمه احمد آرام، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۵.
- ≠ پوپر، کارل، منطق اکتشاف علمی، ترجمه احمد آرام، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۰.
- ≠ پوپر، کارل، واقعیت‌گری و هدف علم، ترجمه احمد آرام، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۲.
- ≠ جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۱.
- ≠ جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آیینه معرفت، نشر اسراء، ۱۳۸۱، ش، قم
- ≠ جوادی آملی، عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۹.
- ≠ چارلز، آلن اف، چپستی علم: در آمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی، ترجمه سعید زیباکلام، سمت، تهران، ۱۳۷۸.
- ≠ حائری یزدی، مهدی، «ابطال ابطال‌پذیری»، تدوین و تقریر دکتر عبدالله نصری، قیسات، ش ۱۵ و ۱۶، ۱۳۷۹.
- ≠ خسروپناه، عبدالحسین، «منطق استقراء علمی (۴)»، رویکرد تجربه‌گرایی ابطال‌گرایانه»، مجله تخصصی کلام اسلامی، ش ۴۱، ۱۳۸۱.
- ≠ رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن، نشر المصطفی، قم، ۱۳۹۲.

- ≠ شاکر ، محمدکاظم ، مبانی و روش‌های تفسیری ، مرکز نشر المصطفی ، قم ، ۱۳۸۹
- ≠ صدر ، محمدباقر، الاسس ال منطقيه للاستقراء، دار التعارف للمطبوعات ، بیروت ، ۱۴۰۴ ق.
- ≠ صادقی، رضا، «نقدهای پوپر و مشکلات ابطال‌پذیری»، معرفت فلسفی، سال هشتم، شماره دوم، ۱۳۸۹.
- ≠ مگی، برایان، پوپر، ترجمه منوچهر بزرگمهر، شرکت سهامی انتشارات فرامرزی، تهران، ۱۳۵۹.
- ≠ محبی، بهرام، «کارل پوپر، خردگرایی سنجشگر»، بی‌نا، بیتا.
- ≠ موسوی، سید محمد، «درآمدی بر فلسفه علم کارل پوپر»، مجله پیک نور، ۱۳۸۹.
- ≠ نصری، عبدالله، ابطال‌پذیری محمد حائری، قبسات، ۱۳۷۹، شماره ۱۵ و ۱۶
- ≠ نفیسی، شادی، جریان‌شناسی تفسیر علمی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.
- ≠ نفیسی، شادی، «مبانی اختصاصی تفسیر علمی از قرآن کریم»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، دوره ۵، شماره ۱، ۱۳۹۵.
- ≠ Streubert Speziale H, Rinaldi Carpenter D